

کس نفاذ پشت من جز نافع انگشت من

نهادی که وظیفه‌اش تربیت نیروی انسانی برای سازمان‌های دیگر است، تربیت نیروی انسانی خودش در اولویت قرار دارد.

یکی از نهادهای اجتماعی مهم، مؤثر و گسترده که وظیفه انتخاب و انتقال آموزه‌های فرهنگی را به نسل جدید جامعه بر عهده دارد، نهاد آموزش و پرورش است. این نهاد از دیرباز در بقا و تداوم فرهنگ و تمدن جوامع، نقش سازنده و بنیادی ایفا کرده است. از سوی دیگر، این نهاد با رشد و توسعه جوامع بشری در ابعاد اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، دینی و ارتباطات بین‌المللی پیوندی ناگسستنی دارد. می‌توان گفت نقش و رسالت نهاد آموزش و پرورش در دنیای رو به رشد امروز تا آن اندازه پیشرفته است که جوامع انتظار دارند نیازهای معنوی و مادی آن‌ها را نیز پاسخگو باشد و به عنوان عامل اصلی و مؤثر تربیت منابع انسانی، تحقق نیازهای فردی و اجتماعی را ممکن سازد. در واقع، آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری یک نسل برای نسل دیگر است؛ به طوری که می‌گویند مدارس امروز نشانی از جامعه فردا هستند. کودکانی که امروز در مدارس تحصیل می‌کنند، با رسیدن به سن ۲۰ سالگی (در حالت ایده‌آل) وارد بازار کار می‌شوند و مسئولیت‌هایی را به عهده می‌گیرند. لذا، می‌توان گفت هر چه توجه به آموزش و پرورش واقعی‌تر باشد، زیر ساخت‌های جامعه نیز رشد و قوام بیشتری خواهند یافت. در واقع رشد و تحقق هدف‌ها و رفع نیازهای فرد و جامعه، به کیفیت منابع انسانی و تربیت آن‌ها متکی خواهد بود. شواهد و تجربه‌های موجود نیز حاکی از این است که توانایی کشورها برای پیشرفت و رشد مورد انتظارشان، در گرو به حداکثر رساندن صلاحیت و توانایی نیروی انسانی از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی مطلوب قرار دارد. کشور ما سرشار از منابع طبیعی است، اما استفاده از آن‌ها برای رسیدن به خودکفایی و پیشرفت همه‌جانبه در ابعاد اخلاقی، دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مستلزم تربیت آن‌گونه از نیروی انسانی است که بتواند به خوبی از عهده وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود برآید. بنابراین امروزه، تعلیم و تربیت منابع انسانی کشورمان بیش از گذشته اهمیت و ضرورت دارد. البته لازمه این امر نیز حفظ و نگهداری و توسعه تمام دستاوردهای فرهنگ ملی خودمان است که اگر از گذشته آموزشی و پرورشی خود درس نگیریم، محکوم به بی‌هویتی خواهیم شد. در واقع ما باید با بهره‌گیری خردمندانه (نه تقلید کورکورانه) از تجربه‌های سایر کشورها برای توسعه، ارتقا و نوآوری دستاوردهای علمی و آموزشی خود تلاش کنیم تا خروجی نظام آموزشی ما افرادی کارآمد، معتقد، مسئول، مسئله‌گشا و در نهایت تولیدکنندگان علم و فناوری به روز باشند. باید توجه داشته باشیم که استفاده از دستاوردهای سایر کشورها الزامات خاصی را می‌طلبد. زیرا در مقام مقایسه همان‌طور که بین دو نفر تفاوت‌های زیادی به چشم می‌خورد، بین دو جامعه نیز از لحاظ اندیشه و پیشینه تاریخی تناقضاتی وجود دارد. به خاطر همین، نمی‌توان نظام تعلیم و تربیت کشوری را عیناً به کار گرفت و نتیجه مطلوب به دست آورد؛ ولی از آنجا که رویدادهای تربیتی همواره متأثر از عوامل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هستند بنابراین مطالعه نظام‌های آموزشی و

پرورشی به ما کمک می‌کند که در یابیم دیگران در راه ساختن نظام‌های نوین آموزشی خود چه اقداماتی را به عمل آورده‌اند و چه تدابیری را جهت اصلاحات آموزشی خویش اتخاذ کرده‌اند. البته در این گونه از مطالعات باید اصولی را مورد توجه قرار داد که عبارتند از:

▶ نظام آموزشی و پرورشی کشورها را باید با توجه به عوامل زیربنایی آن‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. در غیر این صورت، نتایج حاصل از آن نامعتبر خواهد بود.

▶ مقایسه ابعاد مختلف نظام‌های آموزشی و پرورشی کشورها زمانی امکان پذیر است که بر پایه مفاهیم و اصطلاحات استاندارد شده همراه با درک معنای واحد صورت بگیرد تا موجب بدفهمی و کج‌فهمی رویدادهای آموزشی و پرورشی نشوند.

▶ منابع اطلاعات باید موثق و معتبر باشند.

▶ در مقایسه نظام‌های آموزشی و پرورشی ابعاد گوناگون پدیده‌ها و رویدادهای تربیتی باید مورد توجه قرار گیرد چرا که ممکن است نتایج در خور و معتبری فراهم نشود؛ لذا، بی‌توجهی به ابعاد تاریخی، اقتصادی، تحولات اجتماعی-سیاسی، زبان و... می‌تواند به برداشت‌های نادرست و غیر واقعی از رویدادهای تربیتی منجر شود.

▶ مطالعه ویژگی‌های مشترک بین نظام آموزش و پرورش خودی با سایر کشورها باید اساس مقایسه قرار بگیرد تا از شباهت‌های موجود بین آن‌ها بتوان راه‌آورد مثبتی به دست آورد.

▶ هنگام مقایسه نظام‌های آموزشی و پرورشی با نظام آموزشی و پرورشی خودی، باید به دور از تعلقات فرهنگی و عاطفی خویش، پدیده‌ها و رویدادهای تربیتی را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. در این صورت است که می‌توان جلو انحرافات و تعصبات را گرفت و از نتایج حاصله بهره‌مند شد.

بنابراین، با توجه به حساسیت‌های مرتبط به مطالعات تطبیقی، به نظر می‌رسد بهترین ارزشمندترین کار، کنکاش علمی در نظام آموزشی و پرورشی معاصر کشورمان است تا راه‌کارهایی از جنس خودش را برای برون رفت از مشکلاتی که با آن دست به گریبان هستیم، بدست آوریم. زیرا هر کشور موفقی که امروزه در سطح جهانی شاهد آن هستیم، راه خودش را پیدا کرده و در تحقق اهدافش بر پایه واقعیت‌های موجود با انگیزه بالا حرکت کرده است. از سوی دیگر، درس نگرفتن از آنچه که در تاریخ آموزش و پرورش کشورمان گذشته، ما را به سوی بی‌هویتی آموزشی سوق می‌دهد. علاوه بر این، هنر این است که از دستاوردهای جهانی با لحاظ کردن اصول مذکور، به طور خردمندانه بهره بگیریم؛ نه بر پایه سلیقه، کور کورانه و ناپخته که در این صورت نتیجه‌ای جز شکست برای نظام آموزشی و پرورشی ما به همراه نخواهد داشت.

نتیجه این که آموزش و پرورش سازنده زیربنای ساخت‌ها و ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... کشور است. این نهاد برای تمام نهادهای دیگر نیروی انسانی تربیت می‌کند. بنابراین تربیت نیروی انسانی این نهاد در اولویت قرار دارد. به یقین، تربیت نیروی انسانی این نهاد مهم و گرانقدر هم نمی‌تواند با تقلید صرف از نوآوری‌های کشورهای دیگر محقق شود. در نهایت چاره کار در این است که با تکیه بر تلاش و همت خود و با استفاده از تجربه‌های جهانی، دانش‌های ملی و فرهنگی و ابتکارات بومی خود را بازسازی و توسعه دهیم به گونه‌ای که خروجی‌های نظام آموزشی ما افرادی کنجکاو، مبتکر، کوشا، کارآمد، مسئول، متعهد و تولیدکننده علم و فناوری باشند.

احمد شریفان